

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۸.۰۲.۱۰

تحلیل طبقات جامعه افغانستان

به ادامه گذشته:

۲- بخش ساختمانی:

تولید مواد ساختمانی، انجینیری ساختمان ها، حفر چاه (این بخش بیشترین سرمایه گذاری ها را جلب کرده است)، ساختمان تعمیرات، مهندسی و دیزاین، تولید دروازه و کلکین PVC شامل این بخش می باشد. درین بخش ۸۰۰ شرکت خصوص داخلی و خارجی مصروف کار اند و کارگران ساده آن را بیشتر دهقانانی می سازند که یا به صورت فصلی کار می کنند و یا روزانه در خود دهات و یا از دهات نزدیک به شهر می آیند. آمار نشان می دهد که از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ حدود ۳۱ درصد سرمایه گذاری (مخصوصاً سرمایه گذاری های خارجی) درین بخش صورت گرفته که بیش از چهار میلیارد دالر می شود و بیشترین آن در کابل و بعد در ولایات دیگر سرمایه گذاری شده است. در ۲۰۰۷ این بخش ۵۰۸ ساختمان را به پایه اكمال رساند که از جمله ۱۸۹ ساختمان دولتی و ۳۱۹ ساختمان دیگر خصوصی بود. حال در کل کشور ۱۱ شرکت ساختمانی دولتی و ۸۰۰ شرکت ساختمانی خصوصی درین بخش مصروف کار اند که شرکت های دولتی ۷۲۴ عراده ماشین دولتی و ۵۶۹۶ عراده ماشین خصوصی را که شامل موترهای دمتراک، کمپریسور، ماشین مخلوط کننده، شاول اکسکواتور، سکرپیر و بلدوزر می شدند، در اختیار دارند که در بخش خصوصی برای کار با این همه ماشین ۶۰۰۰ کارگر کار می کنند.

در برخی از این شرکت ها کمپنی های ساختمانی غربی سرمایه گذاری کرده، علاوهً شرکت های ساختمانی ترکی، ایرانی و پاکستانی نیز در افغانستان مصروف کار اند. مشهورترین کمپنی امریکایی که پروژه های ساختمانی را به اجاره می گیرد، شرکت امریکایی «VICC» است که ۱۲۰ کارمند و بیش از ۳۰۰ کارگر ماهر در اختیار دارد. شرکت ساختمانی «اونکس» با عزیزی بانک سرمایه مشترک دارد، و گروپ غلغله که زیر رهبری و سرمایه گذاری خانواده خلیلی قرار دارد، علاوه بر شهرک «امید سبز» در کابل و پلخمري کارهای ساختمانی بسیاری را به راه انداخته و یکی از فابریکه های تولید کارخانه پی وی سی را نیز در اختیار دارد. چند تصدی دولتی ساختمانی در افغانستان اسماً وجود دارند که عبارتند از ریاست خانه سازی، ریاست بنائی، ریاست افغانی و

ریاست ساختمانی شاروالی. این تصدی ها که زمانی در آن ها شش هزار کارگر کار می کردند و کارگران ماهری در اختیار داشتند، اکنون در ورشکستگی کامل به سر برده و فقط ۶۰۰ نفر پرسونل در اختیار دارند که در بخش پرسونل دولتی محاسبه می شوند.

اما بخش خصوصی و سرمایه گذاری های خارجی بیش از ۸۰ درصد این سرمایه گذاری ها را در کنترل دارند که هم کارها را به شکل اجاره در اختیار می گیرند و هم خود به تولید و فروش شهرک دست می زنند. تنها در کابل شهرک های سلیم کاروان، آریا (این شهرک با سرمایه گذاری مستقیم یک کمپنی امریکایی به اعمار ساختمان و فروش آن مصروف است و در حقیقت سرمایه گذاری خاصی نداشته، قبل از ساختن هر بلاک، از خریداران به صورت قسط پول اخذ می دارد و بعد با همان پول به اعمار ساختمان جدید دست می زند و ۱۶ درصد پول فروش را به خاطر زمین به شاروالی تحویل می دهد. دو تن از افغان ها به صورت کمپرادور سرپرستی این تولید را به پیش می برند و دو درصد سهم اند)، امید سبز، گلخانه، استقلال، طلانی، شیرپور، کلوه پشته، نوروزآباد، سمتخانه و شاداب ظفر، آباد شده و علاوهً مساجد بزرگی چون مسجد خاتم النبیین و مسجد حاجی عبدالرحمن، سنترها و مراکز فروش بزرگی چون کابل سیتی سنتر، گلپهار سنتر، مریم شاپینگ سنتر، اباسین خدران سنتر، فیصل شاپینگ سنتر، مریم شاپینگ سنتر، فاریاب سنتر، روشن پلازا، تعمیر عزیزی بانک، ساختمان اتصالات، تعمیر کابل بانک، تعمیر ام تی ان، تعمیر هتل اشرف رمضان و کفایت مارکیت در مزار، ساختمان هتل پنج ستاره، دوقلوهای هفده طبقه ای صافی، هتل نظری، هتل پنج ستاره دیگر و ملی سنتر در هرات با ده ها هتل و بلند منزلی که میلیون ها دالر، خرج ساختمان آن ها شده به وسیله این شرکت ها که با انواع ابزار ساختمانی مجهز اند و هر یک بیش از دو صد انجیر، کارگر ماهر و ساده و معمار در اختیار دارند، به این کار مصروف می باشند. کارگران پاکستانی که مهارت بیشتر دارند، در بخش های فوق الذکر نیز به کار اشتغال دارند. درین بخش که کارگران ماهر و ساده اشتغال دارند، بیشترین بخش کارگران کشور ما را می سازند که اکنون تعداد آنان به بالاتر از ۱۷۰ هزار نفر می رسد. این کارگران از ۲۰۰ تا ۶۰۰ افغانی در روز (از ۴ تا ۱۲ دالر) عاید دارند و اکثر آنان با زندگی بخور و نمیری روزگزرانی می کنند. بیشترین بخش این کارگران در زمستان های سرد که کارهای ساختمانی معطل می شوند، بیکار می مانند که یا به ایران و پاکستان رفته در مناطق گرمسیر این کشورها به فروش نیروی کار شان می پردازند و یا در زمستان با قرض روزگزرانی کرده، در اواسط بهار با شروع کارهای ساختمانی به کار آغاز می کنند. درین بخش بیش از ۲۰ هزار کارگر پاکستانی در افغانستان به کار مصروف اند و به این صورت برخی از کار کارگران ساختمانی افغان را در دست خود گرفته، ولی تا حال شکایت و برخوردی درین مورد میان کارگران افغان و پاکستانی دیده نشده و هر دو هم سرنوشت و برادروار به کار می پردازند.

۳- بخش خدمات مالی:

یکی از شاخص های اصلی تشخیص رشد و عدم رشد مناسبات سرمایه داری در یک کشور مربوط به رشد و یا عدم رشد بانک های آن کشور می باشد. گرداننده پول، تعیین سود، پشتوانه تمام بخش های صنعتی، تجاری و تولیدی و بالاخره عامل انتقال پول، بانک ها می باشند که به علاوه سرمایه گذاری کمپنی های سرمایه داری، پول های مردم را به شکل سپرده، جمع آوری کرده، سود ناچیزی به صاحبان آن می دهند، اما خود این سپرده ها را در بخش های مختلف تولیدی و با کسب سود بلند سرمایه گذاری می کنند و به این صورت چرخ اقتصاد سرمایه به حرکت در می آید. بانک ها با تبلیغات گسترده ای از طریق رسانه ها، مصونیت پولی و در قرعه کشی هایی چون

قسمت حساب، بخت حساب، خوش نصیب و غیره، پول های مردم را جمع می کنند و برای شان در یک لحظه وعده میلیونر شدن را می دهند. بانک ها به عنوان ماشین اصلی حرکت سرمایه داری و گرداننده این دوره به حساب می آیند.

در حال حاضر ۱۷ بانک در افغانستان کار می کنند که از جمله ۱۰ بانک خصوصی، ۲ بانک دولتی و ۵ شاخه نمایندگی بانک های خارجی اند. این بانک ها ۱۵۳ نمایندگی با خدمات نا محدود، ۱۳۵ نمایندگی با خدمات محدود و ۴۶ ماشین اتومات صرافی در اختیار دارند. کابل بانک در قدم اول و عزیزی بانک در قدم دوم بیشترین نمایندگی را در کشور دارا می باشند. در حال حاضر برخی ازین بانک ها در مراکز ۳۴ ولایت کشور و در چند ولسوالی و بندر فعالیت دارند. دارائی نظام بانکی افغانستان که بانک مرکزی یا «د افغانستان بانک» جزء آن نیست، در سرطان ۱۳۸۸ به ۱۳۳.۱ میلیارد افغانی و یا ۲.۲ میلیارد دالر رسید که نسبت به عین زمان در سال گذشته شمسی، ۴۱ درصد رشد را نشان می دهد. در ماه سرطان ۱۳۸۷ دارائی نظام بانکی افغانستان ۹۴.۳ میلیارد افغانی بود. گروپ بانک های خصوصی درین زمان بیشترین رشد را داشته که سطح آن نسبت به سال گذشته ۴۷ درصد تخمین شده است. دارائی بانک های دولتی ۲۴ درصد و دارائی نمایندگی بانک های خارجی ۳۸ درصد رشد داشته اند. دارائی بانک ها در جون ۲۰۰۹ به ملیون افغانی عبارتند از:

شماره	نام بانک	دارائی به ملیون افغانی
۱	کابل بانک	۴۲۸۷۲
۲	عزیزی بانک	۱۳۴۲۸
۳	پشتنی بانک	۱۰۱۰۵
۴	بانک بین المللی افغانستان	۱۴۲۱۹
۵	بانک ملی افغان	۱۰۲۶۰
۶	ستندرد چارتر بانک	۹۶۵۵
۷	فرست مایکرو فایننس بانک	۵۹۴۵
۸	بانک الفلاح	۷۹۶۶
۹	افغان یونایتد بانک	۵۵۵۵
۱۰	میوند بانک	۱۱۲۵
۱۱	غضنفر بانک	۱۱۲۰
۱۲	آرین بانک	۱۰۲۶
۱۳	باختر بانک	۶۵۱
۱۴	حبیب بانک	۴۶۰۰
۱۵	نشنل بانک پاکستان	۲۲۷۵
۱۶	پنجاب نشنل بانک	۱۰۱۷
۱۷	برک بانک	۷۱۸

نظام بانکی افغانستان تا سرطان ۱۳۸۸ به بخش های گوناگونی در کشور قرض داده است که نسبت به سال گذشته ۱۹ درصد رشد را نشان می دهد.

شماره	بخش	فیصدی
۱	خانه سازی و ساختمان	۲۰
۲	تولیدی	۱
۳	تجارت	۴۹
۴	خدمات	۹
۵	متفرقه در بخش تجارت	۱۲
۶	مصرفی	۲
۷	گروی به طور انفرادی	۴
۸	تمام قروض متفرقه	۴

قرضه بر اساس ولایات:

شماره	ولایت	فیصدی
۱	کابل	۸۴.۶
۲	بلخ	۶.۶
۳	هرات	۳.۸
۴	ننگرهار	۱.۴
۵	کندهار	۱
۶	متباقی	۳.۲

پول های مردم که به سود گذارده می شود، بخش اعظم سرمایه های این بانک ها را می سازد که تا سرطان ۱۳۸۸ به ۲.۲ میلیون دالر رسیده است و نسبت به سال گذشته ۴۷ درصد رشد را نشان می دهد. تعداد قرضه گیران در مجموع ۴۳۲۳۶ نفر و امانت سپاران ۱۱۰۳۱۶۴ نفر می باشند. این بانک ها با کمپنی های جهانی «وسترن یونین» و «سویفت» جهت انتقال پول کار می کنند که برای این کمپنی ها سود می پردازند. عزیزی بانک و کابل بانک با گُمرز بانک، دومین بانک بزرگ المان رابطه نزدیک سرمایه گذاری دارند. عزیزی بانک و کابل بانک در رقابت بسیار تنگتنگی قرار داشته و اخیراً به علت ورشکست شدن بانک انکشافی افغانستان، این بانک توسط عزیزی

بانک خریداری و باختر بانک نامگذاری شد. عزیزی بانک برای حساب پس انداز سالانه شش و نیم درصد و کابل بانک شش درصد سود می‌پردازند که این بانک‌ها تا حال با پرداخت سود از سوی ملاها با مشکلی روبرو نشده‌اند. تنها شعبه‌های یکی از این بانک‌ها یک بار با اختلاف از سوی مولوی‌ها در یکی از ولایات کشور مواجه شد که با یک مهمانی و پرداخت یک پاکت به عنوان تحفه، همه مولوی‌های معترض ساکت و آرام شدند.

در نظام بانکی خصوصی افغانستان در مجموع ۶۴۳۵ نفر کار می‌کنند و کارمندان خارجی آن‌ها ۱۸۹ نفر می‌باشند. در میان این کارمندان ۹۵ درصد آنان کارگران یخن سفید و فقط ۵ درصد کارمندان خارجی و مدیران بانک‌ها اند که در خدمت مستقیم منافع بورژوازی قرار دارند. اما در نظام بانکی دولتی ۲۸۰۵ نفر کار می‌کنند که ۱۱۸۰ نفر آنان پرسونل خدماتی یا کارگران این بخش را تشکیل می‌دهند که در بخش خدمه دولتی محاسبه می‌گردند.

۴- بخش صنعت:

تولید فرنیچر، سامان آلات برقی، دوا سازی، آب معدنی، جوس، آب میوه، بسته بندی، چاپخانه‌ها، عکاسی و تولید فلم، پلاستیک سازی، تولید مواد بهداشتی، فلزکاری، چرم دوزی، پروسس شیر، کشمش‌پاکی، کارتن سازی، مرغداری، تولید پایپ، مواد غذایی، حجاری، سنگ‌های قیمتی، تولید سمنت، صنعت معدن، تولید روغن، دروازه و کلکین پی وی سی، تولید قالین و بالاخره تمام انواع صنایع سبک که ایجاد آن‌ها اولویت دارد، جزئی از این بخش به حساب می‌آید.

این بخش که مهمترین بخش کار اقتصادی و زمینه ظهور بورژوازی در کشور ماست، در دوران اشغال جدید مورد توجه جدی امپریالیست‌ها و کمپنی‌های سرمایه‌داری قرار نگرفته، از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، از مجموع سرمایه‌گذاری‌هایی که در افغانستان صورت گرفته، حدود ۲۴ درصد درین بخش سرمایه‌گذاری شده است. با اینکه بعد از کنفرانس بُن و آغاز دوران جدید صنعتی بنابر علی‌چون بودن صلاحیت اصلی در دست کمپنی‌های خارجی و عموماً وابسته بودن تولیدات صنعتی افغانستان، شاخه‌ای از تولید این کمپنی‌هاست و هر طور دل آن‌ها بخواهد همانگونه عمل می‌کنند. در اثر ورود کالاهای خارجی و عدم توان رقابت تولید داخلی با آن‌ها، ناامنی‌های گسترده که راه‌های عمومی در معرض خطر قرار دارند، عدم حمایت دولت پوشالی ازین تولید، فساد بی نظیر اداری، عدم دسترسی به انرژی ارزان چون برق و تیل، عدم همکاری دولت برای دادن زمین به کارخانه‌های تولیدی و غیره، تولید صنعتی رشد چندانی نکرده و حدود ۴۰ درصد این تولید از ۲۰۰۲ تا امروز مخصوصاً در شهرک‌های صنعتی کابل، هرات و مزار و رشکست شده است، اما در برخی از بخش‌های تولیدی به کمک دولت‌های سرمایه‌داری و یا کمپنی‌های استثمارگر، این تولید ادامه دارد و فابریکه‌ها در گردش‌اند. اکثر این تولیدات به شکل انحصاری بوده، در آن سرمایه‌گذاری‌های کمپنی‌های امپریالیستی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم (برخی از کمپرادوران ایرانی، پاکستانی، عربی، هندی و ترکی شاخه‌هایی از تولید کمپرادوری کشور‌های شان را که به کمپنی‌های بزرگتر سرمایه‌داری وابسته‌اند، به افغانستان آورده که به طور مشخص در بخش روغن سازی، پلاستیک سازی، مواد نفتی و تولید نوشابه‌های غیر الکلی می‌توان نام برد) وجود دارد. تعداد مجموعی کارگران فنی این بخش به ۳۵۲۷۰ نفر رسیده، اما با کارگران نیمه فنی، غیر فنی و کارگران یخن سفید، این تعداد به هزاران نفر می‌رسد که در بخش ارزیابی طبقه کارگر به آن می‌پردازیم.

بعد از کنفرانس بن که سیاست اقتصاد بازار به تصویب رسید، اکثر کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی انتقال

یافت و آن هائی که به فروش نرسیده (تصدی کاماز، نساجی جبل السراج، کود و برق مزار، گاز شبرغان، مطبعه دولتی، جنگلک، خانه سازی، بنائی، خانه سازی افغان، کابل برشنا، سپین زر کندز، هلمند غوری، سیلوی کابل، برق پلخمری، سیلوی مزار، نساجی کابل، نساجی پلخمری، سیلوی پلخمری) نیمه فعال می باشند. در مجموع درین بخش ۷۲۰۰ نفر کار می کنند که به کارگران دولتی مشهور اند.

کارگران در این بخش به بدترین وجهی استثمار می شوند. تعدادی از آنان به شکل فنی و تعدادی به شکل غیر فنی به کار اشتغال دارند. کارگران این بخش که بیشتر شان در ایران و پاکستان و کمتر در داخل افغانستان به این مهارت ها دست یافته اند، در وضعیت به شدت ناهنجاری قرار دارند. این کارگران با مزد بسیار کم کار می کنند و از چیزی به نام بیمه، وسایل نقلیه، خانه، اتحادیه کارگری و امکانات دیگر سیاسی و معیشتی برخوردار نیستند و از جایی که بیش از چهار ملیون نفر در کشور ما بیکار اند، لذا کارگران مجبورند که با چنین شرایطی بسازند که اگر اخراج شوند، در جای دیگری به مشکل برای شان کار پیدا می شود.

شهرک صنعتی هرات که توسط وزارت تجارت احیاء گردید و دولت تا حدی سهولت هائی برای کار آن مساعد ساخته، اکنون با ۲۰۰ کارخانه تولیدی، یک ملیارد دالر سرمایه و ۲۰ هزار کارگر فعالیت دارد. بیشتر این ۲۰ هزار کارگر فنی اند که اکثر آنان فن آوری را در ایران آموخته اند.

شهرک صنعتی کابل که در آن ۲۵۰ فابریکه فعالیت دارد و دارای ۵۷۵۰ کارگر می باشد، در ۱۳ رشته تولیدی مثل روغن سازی، المونیم سازی، پایپ سازی، پلاستیک سازی، تولید کاشی، سنگ قیمتی، کشمش پایی، کارتن سازی، مواد غذایی، دوا سازی، تولید آب معدنی و جوس فعالیت دارد.

در شهرک صنعتی مزار که ۳۵ فابریکه فعال است، به تولید مواد غذایی، پروسس شیر، پلاستیک سازی و غیره مصروف است که در آن ۳۸۸۵ کارگر به کار اشتغال دارند.

شهرک صنعتی کندهار که در آن ۷۵ فابریکه وجود دارد، در حال حاضر ۴۹ فابریکه آن فعال و ۲۶ فابریکه دیگر غیر فعال است، در بخش های تولید وسایل پلاستیکی (۲۰ فابریکه)، فابریکه تولید روغن (۱۰ فابریکه)، تولید دوا (یک فابریکه)، تولید اکسیجن (۳ فابریکه)، تولید یخ (۳ فابریکه)، تولید اشیای المونیمی (۴ فابریکه)، ذوب آهن (یک فابریکه)، ساختمانی (۴ فابریکه)، تولید سگرت (یک فابریکه)، تولید رنگ تعمیراتی (۲ فابریکه)، تولید شیرینی (یک فابریکه)، فلزکاری و نجاری (یک فابریکه)، بسته بندی موترسیکل (یک کارخانه)، سنگتراشی (دو فابریکه)، تولید پاپر و بسکویت (۳ فابریکه) و تولید مشروبات غیر الکولی (۱۷ فابریکه). برخی ازین کارخانه ها به علت نبود برق، برخی به علت وضع ناهنجار امنیتی، برخی هم به علت تولید فصلی و برخی به علت ورود کالاهای ارزان ایرانی و پاکستانی غیر فعال بوده، در صورتیکه همه این کارخانه ها فعال شوند، ظرفیت جذب بیش از ده هزار کارگر را دارند که حال کمتر از نیم آن ها به تولید مصروف اند و حدود ۳۴۵۰ نفر در آن ها کار می کنند.

در جلال آباد نیز ۶۵ کارخانه با تولید کوچک همین حالا فعال می باشند که شامل تولید یخ (۲۶ کارخانه)، تولید اشیای سنگ مرمر (۴ کارخانه)، تولید جوس و آب میوه (۶ کارخانه)، تولید اشیای پلاستیکی (۳ کارخانه)، تولید تیل، کنجاره و صابون (۶ کارخانه)، تولید دیگ بخار (۵ کارخانه)، تولید و پروسس مواد غذایی (۱۰ کارخانه)، تولید آب معدنی (۳ کارخانه) و تولید چیس (۳ کارخانه) می باشد که تمام این کارخانه ها فعال اند و در آن ها ۲۵۴۰ کارگر مصروف کار می باشند.

در کندز نیز در مجموع ۲۵ کارخانه با ظرفیت تولیدی متفاوت به کار مصروف اند که جمع کارگران این کارخانه

ها تا ۳۱۰۰ نفر می‌رسند. کارخانه تولید آرد، سپین زر که روغن و صابون تولید میکند، کارخانه تولید کاغذ تشناب، سه فارم مرغداری، تولید کود کیمیاوی، پروسس برنج، لبنیات کندز، آب میوه و کارخانه چپلیک سازی درین ولایت فعال می‌باشند.

علاوه بر تولید صنعتی در شهرک صنعتی کابل، تولیدات صنعتی دیگری نیز در پایتخت وجود دارد که شامل ۱۷ کارخانه دیگ بخار سازی است. در هر یک از این کارخانه‌ها بیش از ۲۵ نفر کارگر کار می‌کنند که جمع‌شان به ۶۴۹ نفر می‌رسد و کار آن برای ۷ ماه جریان دارد و ۵ ماه زمستان پرچاو می‌شود. این کارخانه‌ها بهترین دیگ بخار منطقه را تولید کرده که قیمت آن در بازارهای کشور بالاتر از دیگ بخار ایرانی و پاکستانی می‌باشد. المونیم یا مواد خام این کارخانه‌ها بیشتر از ماشین‌موتورهایی که پرزه می‌شود به دست می‌آید و چون بیشتر این المونیم‌ها به ایران قاچاق می‌شود، قیمت تولید را بالا می‌برد، در غیر آن این فابریکه‌ها (پنج فابریکه تولید دیگ بخار در جلال‌آباد نیز فعال می‌باشند) می‌توانند به آسانی تولید دیگ بخار ایران و پاکستان را به شکست مواجه سازند.

علاوئاً در کابل کارخانه‌های دواسازی تیراجمیر (در ۳۱۵)، کیمیاگر (در خیرخانه)، هوست فارما (در پلچرخ) و آریا (در کارته پروان) به تولید دوا مصروف بوده و هر یک حدود ۱۰ قلم دوا تولید کرده که در مجموع درین کارخانه‌ها ۲۵۵ نفر کارگر کار می‌کنند.

صنعت سمنت و زغال سنگ: یکی از کارخانه‌هایی که بعد از اشغال کشور به تولید آغاز کرد، AIC (AFGHAN INVEST COMPANY) است که در بخش‌های تولید سمنت و تولید زغال سنگ فعالیت دارد. با اینکه این کارخانه از دولت به بخش خصوصی انتقال یافت و تمام ماشین‌آلات آن ساخت چکوسلواکیای قدیم است، ۴۳ سرمایه‌دار با سرمایه ۴۰ میلیون دالر آن را به کار انداختند که جمعاً شامل ۴۰۰ سهم می‌باشد و هر سهم ۱۰ هزار دالر ارزش دارد. در کنار آن، این کمپنی تولید دو معدن زغال سنگ کرکر و دودکش را نیز در انحصار خود گرفت. تولید ابتدایی فابریکه سمنت روزانه تا ۱۸۰ تن می‌رسید و بعد از آنکه دو داش دیگر آن فعال گردید، تولید آن به ۴۰۰ تن در روز رسید. برای اینکه این فابریکه بتواند ارزش اضافی تولید کند، باید به کار کمپرادوری با یکی از کمپنی‌های قوی خارجی بپردازد. بانک آسیائی یکی از فکتورهای سرمایه‌داری است که با ده درصد سود به این کمپنی قرض می‌دهد. در مجموع درین کارخانه ۲۵۰ کارگر فنی، ۱۵۰ فرد اداری و ۲۰۰ کارگر غیر فنی کار می‌کنند که از طریق این سرمایه‌داران بهره‌کشی می‌شوند. در معادن زغال سنگ این کمپنی نیز ۳۰۰ کارگر فنی و غیر فنی بهره‌کشی می‌شوند که جمع آنان به ۱۰۰۰ تن می‌رسد. وقتی پول‌های بانک‌های امپریالیستی در این فابریکه سرمایه‌گذاری شود، احتمال اینکه تعداد کارگران آن تا دو هزار نفر برسد نیز متصور است، چیزی که تا حال این کمپنی به آن دست نیافته است.

مرغداری: مرغداری در افغانستان به دو شکل صورت می‌گیرد. یکی به شکل تربیه بدوی که عموماً در خانواده‌های دهقانی در تمام دهات افغانستان تا ۲۰ قطعه مرغ نیز پرورش می‌یابند، اما این به شکل ابتدائی بوده و در مرغانه‌ها نگهداری می‌گردند که بیشتر زنان دهقان به پرورش آن‌ها مصروف بوده، از تخم آن استفاده و گاه از گوشت آن نیز کار می‌گیرند. فارم‌های آن که تا دو سال قبل در کابل زیاد بود، به علت تبلیغ انفلونزای مرغی و آمدن مرغ ارزان از پاکستان و بلند رفتن قیمت دانه، دارو و واکسین، این کار در مجموع ورشکسته شد. اما یکی از مناطقی که اکنون در آن کار مرغداری در سطح بالائی صورت می‌گیرد، ولایت فراه است. درین ولایت که قبلاً ۴۰۰ سالون نگهداری مرغ وجود داشت، اکنون به ۲۰۰ سالون کاهش یافته است. در هر سالون به طور اوسط

۷۵۰۰ مرغ نگهداری می شود. حدود پنج میلیون دالر بر این مرغداری ها سرمایه گذاری شده که این سرمایه مربوط به ۱۵۰ سرمایه گذار می باشد. تولید مرغ و تخم مرغ این فارم ها به ولایات هرات، کندهار، هلمند، نیمروز و ایران صادر می گردد. در انتقال این مرغ ها ۲۰۰ نفر مصروف کار بوده و ۴۰۰ فروشنده به فروش آن مصروف می باشند. ۲۸۸۰ نفر کارگر فنی و غیر فنی بر روی این مرغداری ها کار می کنند که در مجموع ۳۱۰۰ نفر از تولید تا فروش در این مرغداری ها مصروف کار هستند. علاوه بر فراه در کندز نیز سه فارم مرغداری وجود دارد که در همان بخش مورد ارزیابی قرار گرفت.

صنعت چاپ: بعد از یازده سپتمبر صنعت چاپ در افغانستان فوق العاده رشد کرد، مخصوصاً که نشریات و مجله ها با به اصطلاح اعلان آزادی بیان فوق العاده گسترش یافت و در سراسر کشور بیش از ۴۰۰ نشریه و مجله به کار آغاز کردند و در کنار آن استعمال کارت هویت و ویزیت کارت رایج شد. در چند باری که انتخابات به راه افتاده، چاپ عکس کاندیدان و چاپ برنامه های شان سطح کاری چاپ را در کشور ما بسیار زیاد بالا برد، لذا کار چاپخانه ها پر درآمد گردید. فعلاً در افغانستان ۱۷۱ چاپخانه فعالیت دارد که به طور اوسط در هر چاپخانه ۲۰ نفر کارگر فنی و غیر فنی مصروف کار اند. به این ترتیب هر چاپخانه دار این تعداد کارگر را استثمار می کنند. ازین چاپخانه ها ۱۲۵ آن در کابل و ۴۶ آن در ولایات فعالیت دارند و در مجموع ۳۴۹۲ نفر کارگر در آن ها استثمار می شوند. علاوه بر کارگرانی که در این چاپخانه ها کار می کنند، عده ای مستری نیز بر روی این ماشین ها مصروف کار اند. به این صورت در مجموع بیش از پنج هزار نفر ازین درک نان می خورند. کارگران چاپخانه ها که علاوه بر ماشین، با نشریات چاپی نیز سروکار دارند، به زودی قادر به جذب ایده های انقلابی شده و قادرند در تغییر طبقاتی جامعه نقش مهمی ایفاء نمایند.

بخش های دیگر: علاوه بر بخش های فوق در صنعت قالین بافی، شیرینی سازی، ترمیم موتر، بسته بندی موتر سیکل و بایسکل بیش از ۱۲۰۰۰ نفر مصروف کار بوده که از جمله سه هزار کارگر فنی و نه هزار دیگر کارگر غیر فنی اند که در بخش های فوق مصروف می باشند.

ادامه دارد